

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سارا کانت
فرستنده: علی مشرف
۲۷ جولای ۲۰۲۱

نئوفاشیسم در ایالات متحده آمریکا



اوایل جنوری سال جاری تصاویر «حمله به کاپیتول» در واشنگتن دی.سی. در سطح جهان پخش شد. حتی پس از گذشت ماه‌ها از این واقعه هنوز پژواک رسانه‌ای این واقعه ادامه دارد. تحقیقات در این مورد که چگونه ممکن شد چنین حمله‌ای صورت گیرد، نشان می‌دهد که پولیس، سازمان امنیت داخلی و نیروهای انتظامی کاملاً غافلگیر شدند و اگر واقعاً این طور باشد، باز معلوم می‌شود که دستگاه امنیتی ایالات متحده علیه کدام جریان به کار گرفته می‌شود، حداقل نه علیه نیروهای راست افراطی. در نتیجه تا به امروز روشن نیست که آشوبگران مسلح چه کمک‌هایی از طرف نیروهای انتظامی کاپیتول و یا از طرف سناتورها دریافت کردند. در حالی که در بسیاری از رسانه‌ها به ویژه افراد عجیب و غریبی چون «شمن»‌ها با شاخ گاو بر سر را تبلیغ و ترویج می‌کردند، کاملاً مشهود بود که بین آشوبگران تعداد زیادی از نونازی‌ها که در دوران حکومت ترمپ شکوفائی چشمگیری پیدا کرده بودند، نیز شرکت داشتند. شورشگران از اقصا نقاط ایالات متحده آمده بودند تا با این «حمله به کاپیتول» ادعای قدرت خود را علناً به نمایش بگذارند و ثابت کنند و در چارچوب تبلیغات مورد نظر ترمپ، علیه «پیروزی انتخاباتی ربوده‌شده» مبارزه کنند و خود را «عامل» اعمال اراده خلق معرفی نمایند.

در بسیاری از رسانه‌ها و آن هم نه فقط رسانه‌های چپ در این رابطه هرگاه کوشش شد این وقایع تعریف و تجزیه و تحلیل شود، از عبارت فاشیسم استفاده شد. حتی CNN نیز در تحلیل‌های خود نتوانست طفره رود و هرچند در لفافه گفت: ترمپ فاشیست نیست ولی این امر از خطر او برای دموکراسی ما نمی‌کاهد. (۲۴ جنوری ۲۰۲۱) ولی "نیک

کوهن" از "گاردین" در پاسخ تحریک کننده خود گفت: «اگر ترامپ شبیه فاشیست ها است و مانند فاشیست ها عمل می کند، شاید واقعاً یک فاشیست است.» (گاردین ۱۶ جنوری ۲۰۲۱)



در ستون ها، مقالات و مصاحبه ها با دانشمندان، فاشیسم مورد بحث قرار گرفت. برخی از نویسندگان به این امر اکتفا نموده و اشاره می کردند که در ایالات متحده آمریکا در واقع هیچ زمینه تاریخی برای فاشیسم وجود ندارد و با وجود تمام محدودیت ها قواعد دموکراتیک در زندگی روزمره دولتی رعایت خواهد شد. "جیسون استانلی" استاد فلسفه در دانشگاه "ییل" طی مصاحبه ای با این نظریه مخالفت کرد و گفت:

«می توان یک رژیم دموکراتیک و یک سیستم اقتصادی سرمایه داری داشت ولی اگر بی عدالتی نژادی و نابرابری شدید وجود داشته باشد، در آن صورت ما دارای نیروهای اجتماعی و سیاسی فاشیستی خواهیم بود. آنها نیازمند نیروهای انتظامی مسلح خواهند بود تا با قیام های بالقوه در محله های فقیرنشین اقلیت ها مقابله کنند و از محله های شیک و تمیز خود حفاظت نمایند.»

«از این رو باید در مورد جنبش های فاشیستی اجتماعی و سیاسی و تاکتیک های فاشیستی تعمق کنیم و در مورد شرایط لازم که این تاکتیک ها را کارا می سازد بیندیشیم. و باید نگران بود که یک رهبر فاشیست پدید آید که نوعی رابطه با هواداران خود برقرار کند، که بتواند به آنها بگوید که اقلیت ها علیه شما قیام خواهند کرد، که سیل مهاجران به کشور شما به راه خواهد افتاد و خبرگان کشور شما را تنها گذارده اند و از این طریق رهبر نوعی ارتباط با هواداران خود برقرار خواهد کرد.»

او به عنوان ارتباط ایدئولوژیک، White Supremacy یعنی برتری نژاد سفید را مطرح می کند که در فاز «احیای سیاهان» یعنی ۱۳۰ سال پس از پایان جنگ با کنفدراسیون پدید آمد.

«جامعه شناس مشهور "و.ا.ب. دوبوا" آن را دستمزد روانشناختی سفید بودن نامید. او این دستمزد مضاعف را که انسان صرفاً به خاطر سفید پوست بودن در آمریکا، دریافت می کند، یعنی احساس ویژه بودن و یا مشروع بودن را تعریف کرد و این احساس با این اعتقاد اجین بود که انسان مدام توسط افرادی غیرقانونی و مشروع احاطه شده است. این امر به پدید آمدن ترس و نگرانی و از بین رفتن اعتقاد به گذشته پرغروری که دیگر سپری شده است دامن می زند و رهبر فاشیست وعده می دهد این گذشته و این غرور را دوباره برقرار سازد.» (همانجا)

در رابطه با امروز و دوران ترامپ استانلی شاهد بود که چگونه حزب جمهوری خواه و راست های سفید پوست زبان و نمادها را در سازوکارهای خود دستکاری می کنند تا مثلاً از شرکت سیاهان در انتخابات در جورجیا جلوگیری کنند. ناسیونالیسم مسیحی، تئوری توطئه QAnon، جنبش کنفدراسیونچی های نوین و شبه نظامیان و ملیشایی دست راستی به

نظر "استانلی" هسته مرکزی جنبش فاشیستی و فانتازی آمریکا را تشکیل می‌دهند. او در آخر جنوری ۲۰۲۱ به این نتیجه رسید که هرچند ترمپ دیگر رئیس جمهور نیست ولی جنبش نوافاشیستی در حال پیشروی است و دموکراسی آمریکائی هنوز در خطر است.

هرکس که بیشتر خود را با گروه‌های راست افراطی در ایالات متحده آمریکا مشغول کرده باشد می‌داند که گروه‌های نوافاشیست و نژادپرست تنها در صحنه‌سازی‌های خشونت‌آمیز کولوکس‌کلان دارای سنت طولانی نیستند. چنین جنبش‌هایی حداقل از طرف WASP (پروتستانهای آنگلوساکسون سفید پوست) که خود را «الیت» آمریکائی و «وایت سوپر ماسیست» می‌دانند، تقویت می‌شود. ولی طیف گروه‌های فاشیست و نژادپرست به مراتب گسترده‌تر است.

سازمان مدنی SPLC (مرکز مبارزه با فقر در جنوب) که از ۲۰ سال پیش فعالیت‌های گروه‌های راست افراطی در ایالات متحده را رصد می‌کند در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۱۸ لیستی از ۱۰۰۰ گروه نفرت Hate Groups تهیه کرد که بعضاً در ایالت‌های منفرد وجود دارند ولی به طوری با یکدیگر مربوطند که می‌توانند اقدامات مشترک خود را سازماندهی کنند.

بزرگترین خطری که از جانب این گروه‌های فاشیستی برمی‌خیزد، گرایش فزاینده به اعمال خشونت، همراه با استفاده (قانونی) از سلاح در ساختارهای خود است. در سال‌های اخیر چندین بار در مورد کشتارهایی گزارش داده شد، از جمله در مورد جوان ۲۱ ساله‌ای که در یک شعبه از "وال‌مارت" در شهر مرزی "ال‌پازو" در ایالت تکزاس ۲۲ نفر انسان را به قتل رساند. قبل از این کار او در اینترنت مانیفستی علیه مهاجران آمریکای لاتینی منتشر نموده بود. حمله به کنیسه‌ها در پنسیلوانیا و کالیفرنیا نیز هنوز در خاطره‌ها مانده است. متهمان اعمال تبهکارانه خود را با این استدلال بی‌پایه که گویا این طرح یهودیان است که قصد دارند سفیدپوستان آمریکائی را به کمک مهاجران از آمریکا بیرون بيفکنند، توجیه می‌کنند. در سال ۲۰۱۷ یک نئونازی در "شارلوت ویل" با موتر خود عمداً به گروهی از ضدفاشیست‌ها زد و یکی از تظاهرکنندگان زن را آن چنان مضروب کرد که کمی بعد جان سپرد. تنها در سال ۲۰۲۰ سی و نه نفر قربانی ترور راست شدند که در تاریخ ۲۵ سال گذشته بی‌سابقه بود.

این خشونت از جانب افراد منفرد اعمال نمی‌شود بلکه روز به روز بیشتر از طرف شبه نظامیان نوافاشیست «سه درصدها»، که علناً با سلاح‌های اتوماتیک و سنگین خود، خود را برای یک جنگ داخلی آماده می‌کنند و در این رابطه به گویا سهرصد شهروندی که در جنگ استقلال شرکت داشتند، استناد می‌کنند. همانطور که تحقیقات ضدفاشیستی در مورد یک گروه شبه نظامی نوافاشیستی The Base نشان داد، این گروه‌ها به ویژه از بین نظامیان سابق و یا هنوز فعال سربازگیری می‌کنند.

در اکتبر ۲۰۲۰ پولیس FBI در ایالت میشیگان یک سازمان شبه‌نظامی دیگر را کشف کرد که در نظر داشت فرماندار دموکرات ایالت، "گریچن ویتمان" را برباید و گویا به دلیل اعتراض به قواعد سخت کرونا در این ایالت، پس از یک دادگاه نمایشی به قتل برساند. روی هم رفته ۱۷ نفر مظنون به شرکت در این توطئه دستگیر شدند که اسلحه، مواد منفجره و مواد لازم دیگر برای این جنایت را سازماندهی کرده بودند.

مشهورترین و با نفوذترین گروه شبه‌نظامی نوافاشیست، "جوانان مغرور Proud boys" است که از سال‌ها پیش کوشش می‌کند شبه نظامیان و دیگر «گروه‌های نفرت» با مراکز ایدئولوژی دست راستی و جنبش alt-right را به یکدیگر مرتبط سازد. تظاهرات Unite the Right در سال ۲۰۱۷ در شارلوت‌ویل چنین کوششی بود. در نومبر سال ۲۰۲۰ آنها با این روح اشتراکاً با جنبش «دزدی را متوقف سازید Stop the Steal» که مدعی پیروزی ترمپ در انتخابات بود در "رالی" پایتخت ایالت نورث‌کارولاینا دست به تظاهرات زدند.

زیاد مشهود نیست که نیروهای انتظامی امریکا به طور جدی علیه چنین گروه‌هایی اقدام می‌کنند، بلکه بیشتر این احساس پدید می‌آید که گروه‌های نفوفاشیست و هواداران ترمپ در تظاهرات ضد فاشیستی به عنوان آژان پرووکاتور عمل می‌کنند تا برای دخالت خشونت آمیز پولیس بهانه ایجاد کنند و حتی بدتر، در ماه مه ۲۰۲۰ آشکار شد که در پولیس ایالتی شیکاگو یک افسر پولیس به نام "رابرت بکر" یکی از افراد فعال «جوانان مغرور» کانال تلگرام بود که گردهمانی‌های این گروه را سازماندهی می‌کرد و در مورد روابط خود در پولیس و دولت لاف می‌زد و گزافه می‌گفت. این چنین رفتار خشونت‌آمیز پولیس از طرف ترمپ که در رابطه با تظاهرات ضد نژادپرستی خواستار برخورد خشن با «آشوبگران» بود، تشویق و ترغیب می‌شد. او در یکی از سخنرانی‌های خود در کاخ سفید این ناآرامی‌ها را «اقدام تروریست‌های داخلی» نامید و «راه حل ساده‌ای» را اعلام کرد: «ایالات متحده امریکا سازمان‌های ضدفاشیستی را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار خواهد داد.» و وزیر دادگستری وقت "بیل بار" اضافه کرد پولیس فدرال دستور گرفته که سازمان‌دهندگان اعتراضات ضدفاشیستی را شناسایی کند. «خشونت سازمان یافته از طرف سازمان‌های ضدفاشیستی و سازمان‌های مشابه صورت می‌گیرد» او گفت این «تروریسم داخلی است». این چنین بدنام کردن و تبہکار جلوه دادن جنبش ضدنژاد پرستی انسان را به یاد دوران هولناک "مک‌کارتی" در دهه ۱۹۵۰ می‌افکند که هزاران فرد دمکرات، هنرمند و اعضای سندیکا به جرم «نزدیک بود به کمونیسم» مورد پیگرد قرار گرفتند. با این حال مقاومت اجتماعی در اشکال مختلف صورت می‌گیرد.

با پایان دوران ترمپ طبیعتاً معضل برطرف نشده است. هرچند که نفوفاشیست‌ها دیگر نمی‌توانند روی حمایت مستقیم و غیرمستقیم کاخ سفید حساب کنند ولی آنها به تبلیغ نفرت و اقدامات خشونت‌آمیز خود ادامه خواهند داد به این امید که کشور را مطابق با روح فاشیستی تغییر دهند. از این رو مقاومت اجتماعی در مقابل این روند که سازمان‌های جنبش کارگری نیز در آن شرکت دارند لازم به نظر می‌رسد. چندین سال پیش سندیکای معلمان امریکا AFT که دارای بیش از ۱،۷ میلیون عضو است متعهد شد فعالانه علیه «گروه‌های فاشیستی مبلغ نفرت ... هر لحظه که در محله‌های ما، مدارس ما و کشور ما ظاهر شوند» فعالانه مبارزه کند.

به عنوان گروه‌های نفرت صریحاً کولوکس کلان، NSM جنبش ناسیونال سوسیالیستها، حزب کارگر سنت‌گرا Traditionalist Worker Party و همراه آن «پیمان ملی آریانی» Aryan National Alliance فاشیستی معرفی می‌شوند زیرا این سازمان‌ها و سازمان‌های دیگر نژاد پرست تهدید جانی برای مردمان رنگین‌پوست، فراریان، مهاجران، مسلمانان، بومیان، یهودیان و زنان محسوب می‌شوند.

سندیکای معلمان حضور گروه‌های مبلغ نفرت فاشیستی را تهدید مستقیم کلیه شهروندان زحمتکش می‌داند زیرا، نیروهای «وایت سوپرماسی» «این هدف را دنبال می‌کنند که سندیکاها را از بین ببرند زیرا آنها نگرانند که سندیکاها کارگران فراملیتی و فرانژادی را متحد کرده و آنها را قادر سازند در مقابل حملات آنها مقاومت کنند.» از این رو AFT کلیه سندیکاها را فرا می‌خواند تا مبارزه علیه «برتری سفید» و شونیسم ملی را نه به عنوان گفت‌وگو انتزاعی بلکه به عنوان بخشی از دستور کار اجتماعی، سیاسی و سازمانی خود محسوب کنند.

تارنگاشت عدالت

جمعه، ۰۱ مرداد [اسد] ۱۴۰۰

برگرفته از: اوراق مارکسیستی

منتشر شده در تاریخ: اپریل ۲۰۲۱